

کژکار کردهای وهابیسیم و تعمیق شکاف بن سلمان با وهابیون عربستان سعودی

ابراهیم برزگر*

محمدباقر خرمشاد^۲

عباسعلی رهبر^۳

عبدالرضا عالیشاهی^۴

۱۷۷

چکیده

حضور محمد بن سلمان در مقام ولیعهدی و اصلاحات وسیع وی، نظام سعودی را با تحولات عمیقی مواجه نموده و جایگاه علمای اعظم وهابی را با تهدیدات عمده ای روبرو ساخت. به همین سبب، مقاله حاضر تلاشی است برای پاسخ به این سؤال که جایگاه وهابیسیم سنتی در عربستان سعودی از زمان به روی کار آمدن محمد بن سلمان در مقام ولایتعهدی چه تغییراتی کرده است؟ فرضیه نویسندگان تاکید بر این مسئله است که از زمان تصدی ولایتعهدی بن سلمان، شکافها میان او و وهابیون تعمیق یافته است. روش تحقیق مقاله تحلیلی توصیفی و یافته‌های مقاله بر اساس تئوری جستاری اسپریگنز نشان دهنده چهار مرحله کلان است. در مرحله نخست؛ وهابیسیم سنتی و ایدئولوژیهای محافظه کار آن مشکل بزرگ عربستان برای توسعه و الگو برداری از غرب هستند. در مرحله دوم بن سلمان معتقد است که دامنه اختیارات گسترده علمای وهابی، بافت مذهبی و فقدان حضور طبقات روشنفکر و حامی تفکرات اصلاحات، علل و عوامل این مشکلات می‌باشد. در مرحله ترسیم ذهنی آرمانشهر بن سلمان معتقد است بایستی به تحقق سکولاریسم و شخصی سازی مذهب در عربستان، توقف تدریجی صدور ایدئولوژی وهابیسیم و بنیادگرایی به کشورهای منطقه و الگو سازی سکولاریسم سعودی برای اعراب خاورمیانه اقدام نماید و در نهایت در مرحله چهارم یا ارائه درمان بن سلمان عقیده دارد بایستی به کاهش چشمگیر دامنه اختیارات علمای اعظم وهابی، احیای حقوق زنان، کم‌رنگ شدن ارزش‌های دینی و اسلامی، شکلگیری طبقه جدید روشنفکران حامی غرب و حذف تدریجی آموزه‌های وهابیسیم از نظام آموزشی عربستان سعودی مبادرت نماید.

واژگان کلیدی: عربستان سعودی، وهابیسیم سنتی، محمد بن سلمان

۱. استاد علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

* Barzegar@atu.ac.ir

۲. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

۳. دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دهم، شماره پیاپی سی و نه، صص ۱۷۷-۲۰۴



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط بین‌الملل،

دوره دهم، شماره

چهارم، شماره

پیاپی سی و نه

زمستان ۱۳۹۹

عربستان سعودی یکی از مهم‌ترین دولت‌های هویتی خاورمیانه است که اندیشه وهابیت نقش مهمی در تشکیل و تداوم حیات سیاسی آن دارد و در حال حاضر نیز مهم‌ترین منبع مشروعیت مذهبی این کشور می‌باشد. عنوان وهابیت، عمدتاً از سوی مخالفین عربستان (فارس‌ها و اروپائیان) به سعودی‌ها داده می‌شود درحالی‌که پیروان این مذهب خود را «الموحدون» یا یکتاپرستان واقعی تلقی کرده و مذهب خود را «محمدیت» می‌نامند. نکته مهم در این میان، تبیین جایگاه و کارکردهای ایدئولوژی وهابیسیم سنتی در نظام سعودی‌هاست. در این راستا، علمای اعظم وهابی در ابتدا مسئله بقا و حفظ سلطنت شاهان سعودی و سپس صدور ایدئولوژی وهابیسیم را به منطقه مطمح نظر خود دارند. هرچند عربستان سعودی از سال ۲۰۱۰ میلادی به بعد با احساس خطر از تهدیدات نوین در منطقه (بیداری اسلامی)، تغییرات راهبردی را در سیاست‌های داخلی و خارجی خود ایجاد نمود اما نباید از این نکته مهم غافل شد که بخش مهمی از تغییرات صورت گرفته در سیاست‌های داخلی و خارجی (منطقه ای و بین‌المللی) سعودی‌ها ناشی از دوران به قدرت رسیدن بن سلمان در سمت ولایتعهدی بوده است. برخی از این تغییرات گسترده و رویکردهای اصلاح طلبانه محمد بن سلمان از سال ۲۰۱۶ میلادی به بعد در تضاد با آموزه‌های وهابی قرار گرفته‌اند. خاندان آل شیخ به مثابه مهم‌ترین مرجعیت مذهبی در نظام سیاسی عربستان سعودی تا پیش از بن سلمان در یک تعامل کامل با پادشاهان این کشور قرار داشتند به این صورت که بخش مهمی از مشروعیت اقدامات پادشاهان سعودی با مبانی اسلامی و از سوی علمای وهابی پیوند می‌خورد و پادشاهان سعودی هم بخش مهمی از قدرت مذهبی و بخشی از قدرت اجرایی که عمدتاً ماهیت دینی دارد را به مفتیان اعظم وهابی اعطا می‌کردند. اهمیت و ضرورت تعامل و همسویی کامل مرجعیت مذهبی و علمای ارشد وهابی عربستان سعودی با پادشاهان این کشور، زمانی ملموس‌تر می‌گردد که با حضور بن سلمان در عرصه قدرت، بسیاری از مبانی قدرت، سیاست و حتی مرجعیت مذهبی علمای وهابی در نظام سیاسی عربستان با استحاله‌ای عمیق مواجه گردیده است. مسئله ای که زنگ خطر را برای خاندان آل شیخ (به مثابه بزرگ‌ترین مرجعیت مذهبی در عربستان) به صدا آورده است. اقدامات اصلاح طلبانه بن

سلمان در مسائلی همچون احیای حقوق زنان، ساختن شهرها و مراکز تفریحی به سنت غرب، حضور روشنفکران حامی لیبرالیسم، حضور تدریجی تکنوکرات‌ها در عرصه‌های مختلف، کاهش وسیع حوزه اختیارات مرجعین وهابی، آزادی فعالیت کازینوها و حتی آزادی خرید و فروش مشروبات الکلی در برخی از مناطق عربستان (که پیش‌تر از سوی علمای وهابی ممنوع اعلام گردیده و با عاملان آن به اشد مجازات برخورد می‌شد) همگی نشان دهنده این مسئله مهم است که بن سلمان در راستای توسعه و حتی سکولاریزم نظام سعودی ابایی از انزوا و بایکوت قدرت وهابیون ارشد این کشور ندارد. با این مقدمات اجمالی، مقاله کنونی جستاری است در تجزیه و تحلیل این مسئله که جایگاه وهابیسم سنتی در عربستان از زمان به روی کار آمدن محمد بن سلمان در مقام ولایتعهدی چه تغییراتی کرده است؟ فرضیه نویسندگان تأکیدی است بر این مسئله که از زمان تصدی ولایتعهدی بن سلمان، شکاف‌ها میان او و وهابیسم سنتی این کشور تعمیق یافته است به همین سبب، اقدامات اصلاح طلبانه بن سلمان در نظام سیاسی عربستان تلاشی است برای انزوای تدریجی وهابیسم سنتی و خاندان آل شیخ. روش تحقیق مقاله کنونی نیز روش تحلیلی توصیفی و شیوه گردآوری داده‌ها از نوع منابع کتابخانه‌ای و مجازی می‌باشد.

چارچوب تئوریک؛ نظریه بحران توماس اسپریگنز^۱

توماس اسپریگنز در کتاب خود با عنوان «فهم نظریه‌های سیاسی» روش جستاری ارائه کرده که ابزار تفکر منطقی درباره مسائل سیاسی و متفکران سیاسی را فراهم کرده است. وی مدعی است که اندیشمندان سیاسی هر دوران شدیداً واقع‌گرا هستند و اندیشه‌های سیاسی آنان در پاسخ به مشکلات محیط سیاسی است. بر این اساس نظریه‌های سیاسی صرفاً یک تفریح آکادمیک نیست، بلکه عمیقاً به موضوعات عملی و روز مره سیاست مربوط است. تلاش آن‌ها بر این است که تصویری جامع و نسبی از دنیای سیاست ارائه دهند. از این رو، مسائل و مشکلات، نقطه آغاز نظریه‌های سیاسی است. مشکل شناسی،

1. Thomas Springs
2. Understanding Political Theory

ترسیم صورت مسأله آغاز تولد و بالندگی اندیشه سیاسی است (برزگر، ۱۳۸۵: ۴۸). نظریه بحران اسپریگنز چهار مرحله دارد و هر مرحله بر مرحله قبلی بنیاد نهاده می‌شود.

مرحله اول؛ مشاهده بی‌نظمی و بحران

در مرحله اول، نظریه پرداز از بحران‌های سیاسی که جامعه با آن‌ها درگیر است، آغاز می‌کند. اکثر نظریه پردازان، آثار خود را در زمانی نگاشته‌اند که به طور فزاینده احساس می‌کردند جامعه‌شان دچار بحران است. بنابراین، اولین مسئله مشاهده و شناسایی مشکل جامعه است. مشاهده بی‌نظمی، عقل و احساس آدمی را به تحریک، غلیان و حرکت انداخته و وی را به سمت و سوی مرحله دوم، که تشخیص علل آن است، سوق می‌دهد.

مرحله دوم؛ تشخیص علل و ریشه‌یابی مشکلات

در مرحله دوم، نظریه پرداز شک و تردید را در درون خود گسترش و تعمیم داده و به جستجوی علت اصلی مشکلات و نابسامانی‌ها که اغلب نهران از دیده‌ها هستند می‌پردازد. نظریه پرداز در این مرحله به مطالعه بیشتر پرداخته و به دنبال سرخ‌ها می‌گردد در این مرحله دو پرسش مطرح می‌شود: اول اینکه اگر اوضاع نامرتب است دلایل آن چیست؟ دوم اینکه اوضاع مرتب چه خصوصیتی دارد؟ بنابراین صرف تشخیص علل مشکل‌ها و بحران‌ها کافی نیست و باید ریشه‌های بنیادی آن را کشف کرد. نظریه پرداز بدون روشن شدن علل واقعی مشکل نمی‌تواند پیشنهادهای مناسبی برای درمان یا تسکین مشکل ارائه دهد.

مرحله سوم؛ بازسازی جامعه

در این مرحله نظریه پرداز به بازسازی ذهنی جامعه سیاسی پرداخته، آرمانشهری در ذهن تجسم کرده و افکارش را به صیقل علم، قابلیت‌ها، امکانات و واقعیت‌ها می‌آراید. معیارهایی که نظریه پرداز برای جامعه بازسازی شده آرمانی خود در نظر می‌گیرد هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز است. نظم‌های هنجاری بازسازی شده ترکیبی از نوع آوری و اکتشافات است. هدف این مرحله ایجاد رابطه بین شخص و محیط سیاسی

است، بدین ترتیب نظریه پرداز باید الگوی جامعه خوب را در ذهن خود تجسم کرده و معیاری از آن به دست دهد به این ترتیب نظریات سیاسی در واقع تصویرهایی نمادین از جامعه بعد از بازسازی شدن ارائه می دهد (اسپریگنز، ۱۳۹۸: ۲۳۴-۲۳۶).

ارائه راه حل و درمان

در مرحله آخر اسپریگنز راه درمان را با طرح شکاف «آنچه باید باشد» و «آنچه هست» پی می گیرد. او معتقد است به دلیل توجه انسان ها به حقایق حتی ساده ترین عبارات در این باره رگه هایی از تجویز را در خود نهفته دارد بدین قرار نظریات سیاسی، با بینش جامع خود از نظم سیاسی، نتایج تجویزی مهمی را در بردارند و شامل ارزیابی قابلیت ها، امکانات و ضرورت ها و حقایق هستند (اسپریگنز، ۱۳۹۸: ۱۸۹).

۱۸۱



کژکار کرده های
وهابیسم و تعمیق
شکاف بن سلمان با
وهابیون عربستان
سعودی

جدول شماره ۱. مراحل چهار گانه در نظریه بحران اسپریگنز	
مراحل	نظریه بحران اسپریگنز
مرحله نخست	مشاهده و شناسایی مشکل جامعه
مرحله دوم	تشخیص علل و عوامل مشکل جامعه
مرحله سوم	بازسازی ذهنی جامعه سیاسی، ترسیم ذهنی آرمان شهر
مرحله چهارم	ارائه درمان جهت حل و فصل مشکل جامعه

(منبع: تاجیک، عالیشاهی و مجیدی نژاد، ۱۳۹۳: ۲۵۹)

نویسندگان این مقاله نیز با قرار دادن تئوری جستاری اسپریگنز، سعی در بررسی وضعیت وهابیسم سنتی عربستان در دوران محمد بن سلمان دارند.

ائتلاف راهبردی آل شیخ و آل سعود در بسط مرجعیت دوگانه مذهبی - سیاسی

وهابیسم جنبشی مذهبی - ایدئولوژیکی است که از سوی محمد بن عبدالوهاب در قرن هیجدهم میلادی در عربستان بنا نهاد شد. این جنبش به لحاظ ایدئولوژیکی پیرو عقاید ابن تیمیه و به لحاظ فقهی پیرو مذهب حنبلی می باشد. وهابیت، هدف اصلی خود را

پالایش اسلام از عقاید کفرآمیز و خرافات و مبارزه با هرگونه بدعت می‌داند. به همین دلیل پیروان این مکتب خود را موحدون یعنی کسانی که به آموزه‌های اصیل قرآن کریم و سنت واقعی حضرت رسول (ص) پایبندند، تلقی می‌کنند (بن غنام، ۱۴۴۰: ۱۳۱). درخصوص روابط میان وهابیون و پادشاهان سعودی بایستی اذعان داشت که ریشه‌های اولیه این اتحاد و ائتلاف به قرون ۱۷ میلادی بازمی‌گردد. در آن زمان، نخستین حکومت سعودی (که در ابتدا ماهیتی محلی و منطقه ای داشت) از سوی سعود بن محمد شکل گرفت. در ادامه پسرش، محمدبن سعود برای توسعه قلمرو حکومتی سعودی‌ها به این مسئله مهم واقف گردید که پیروزی و یا ائتلاف با قبایل موجود در سرزمین نجد نیازمند یک حامی قدرتمند مذهبی است به همین سبب، وی با ائتلاف با محمد بن عبدالوهاب، مبانی مذهبی حکومت خود را یافت. در ادامه وهابیت نیز با معرفی نمودن حکومت سعودی‌ها به عنوان تنها حکومت احیاگر سنت اصیل اسلامی، مخالف بدعت‌ها و هدایت گر مسلمین، مشروعیت‌های لازم مذهبی را برای بنای سلطنت سعودی‌ها فراهم آورد. لذا وهابیسم با تهدید مسلمانان سرزمین نجد در قبال هرگونه مخالفت و یا عدم پذیرش حکومت سعودی‌ها، آنان را مهدور الدم و در خوش بینانه ترین حالت، به مصادره اموال و آوارگی تهدید می‌کردند (دحلان، ۱۴۳۸: ۲۶-۲۷). به عنوان مثال، نیروهای نجد (تحت کنترل محمد) که تحت تأثیر آموزش‌های ایدئولوژیکی وهابیسم قرار گرفتند، به بهانه مبارزه یا بدعت‌های نوظهور، به منطقه الاحساء حمله کرده که در خلال این تهاجم، تمامی مساجد و حسینیه‌های شیعیان نابود گردید (بن مرزوق، ۱۴۲۹: ۲۳۷). با گذر زمان میزان اتحاد میان سعودی‌ها و وهابیسم توسعه چشمگیری یافت. به این صورت که میزان نفوذ سعودی‌ها بر سرزمین حجاز توسعه می‌یافت و وهابیسم نیز روز به روز بر مرجعیت مذهبی خود می‌افزود (Valentine, 2015:126). اوج ائتلاف وهابیسم و آل سعود، ازدواج محمد با یکی از دختران محمدبن عبدالوهاب بود (الشطی، ۱۴۳۶: ۴۹).

این ائتلاف و اتحاد در عصر کنونی نیز به قوت خود باقی است به این صورت که خاندان آل شیخ (نوادگان محمد بن عبدالوهاب) در سمت عالی‌ترین مراجع مذهبی عربستان سعودی قرار دارند و آل سعود نیز خاندان سلطنت و حکومت در این کشور می‌باشند. به دیگر سخن، مرجعیت مذهبی با وهابیون و مرجعیت سیاسی و اقتصادی با

آل سعود است (سلیمان البغدادی، ۱۴۲۸: ۹۱-۹۲). در همین راستا عنوان مفتی اعظم که به عالی‌ترین مرجعیت مذهبی وهابی در عربستان سعودی اطلاق می‌گردد، از سوی پادشاه این کشور اعطا می‌گردد. همچنین، «هیئت الکبار العلماء» اصلی‌ترین مرجع مذهبی در عربستان سعودی است که شامل ۲۱ مفتی ارشد وهابی است که رئیس این گروه، مفتی اعظم نام دارد که در حال حاضر شیخ عبدالعزیز بن عبدالله آل الشیخ می‌باشد (نابلسی، ۱۴۴۰: ۷۸). این هیئت نخستین بار با حکم رسمی ملک فیصل، پادشاه وقت سعودی تشکیل شد و نخستین و مهم‌ترین وظیفه آن مشروعیت بخشی مجموعه اقدامات سیاسی پادشاهان سعودی می‌باشد (DeLong-Bas, 2010: 6-7). به طور کلی در

تبارشناسی پیوند وهاپیسیم با سلسله آل سعود می‌توان چند دلیل اصلی را ذکر نمود:

کسب مشروعیت: اصولاً ساختار قبیله‌ای و ماهیت مذهبی و محافظه کارانه در عربستان به نحوی است که فرامین و اقدامات پادشاهان سعودی بایستی ممه‌ور به مهر تائیدات مذهبی برسد. به همین سبب است که تمامی پادشاهان سعودی و فرامین سیاسی، اقتصادی، نظامی و حتی فرهنگی آنان به نوعی از سوی مفتیان اعظم سعودی مهر مشروعیت و تائید می‌خورد.

ارتداد مخالفین: مفتیان وهابی سعودی هرگونه تلاش برای مبارزه، نامشروع جلوه دادن اقدامات پادشاهان سعودی و مخالفت با اقدامات آن را مصداق بارز الحاد و کفر تلقی کرده و حکم ارتداد و قتل مخالفین را صادر می‌کنند تا با این رویکرد، شکلگیری هر جنبش اعتراض و اپوزیسیون را در این کشور غیرممکن کنند؛

قدرت و بقای وهاپیت: گذشته از مرجعیت مذهبی بالای وهاپیون در عربستان سعودی امروزه برخی از وزارتخانه‌های مهم و اثرگذار نیز در اختیار آنان قرار دارد. وزارت حج، وزارت امور اسلامی، اوقاف و دعوت و ارشاد، دانشگاه اسلامی محمد بن سعود، سازمان رابط العالم الاسلامی، سازمان بین المللی امداد اسلامی، سازمان جهادی رفاه اسلامی و مجمع جهانی جوانان اسلامی نهادها و وزارتخانه‌های مهمی هستند که تحت کنترل و اختیار خاندان آل شیخ قرار دارد (یلماز، ۱۴۴۱: ۱۱۹-۱۲۲).

انحصار: همانگونه که خاندان آل شیخ در توجیه اقدامات پادشاهان سعودی، هرگونه مخالفت و تقابل‌گرایی را مصداق کفر و الحاد تلقی نموده و حکم ارتداد و اعدام آنان را

صادر می‌کند تا انحصار قدرت و سلطنت را در ید خاندان آل سعود نگه دارند، پادشاهان سعودی نیز چنین رویکردی را در قبال خاندان آل شیخ اتخاذ می‌کنند. در این راستا، پادشاهان سعودی هرگونه خطر و تهدیدات بالقوه قبایل ۷۲ گانه موجود در سرزمین حجاز را از خود دور کرده و خاندان آل شیخ نیز ظهور هرگونه رقیب و تهدیدات مذهبی را با توجه به حمایت‌های فزاینده پادشاهان سعودی از خود دفع می‌کنند (بن عبدالوهاب، ۱۴۴۱: ۶۸-۶۹).

در نهایت بایستی خاطر نشان کرد که برخی از مهمترین خدمات، اقدامات و توجیهات مفتیان اعظم و ارشد وهابیسیم در راستای بقا و قوام خاندان سلطنت سعودی عبارت‌اند از:

صدور حکم ارتداد و اعدام مخالفین به ویژه شیعیان، حرمت شرعی برگزاری هرگونه تظاهرات، مجوز برقراری روابط با آمریکا برای حضور در خاک عربستان، حرمت برگزاری انتخابات، حرمت عریضه نویسی از سوی اصلاح طلبان و توجیه فاجعه منا (طاهری و احمدوند، ۱۳۹۴: ۹۹-۱۰۵).

اما حضور محمد بن سلمان در مقام ولایتعهدی تغییرات بنیادینی را در روابط با علمای اعظم وهابی ایجاد نمود. اصلاحات عمیق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی محمد بن سلمان در عمل نشان دهنده این مسئله است که وی درصدد انزوای تدریجی علمای وهابی این کشور است. در تبیین چرایی این مسئله می‌توان به چهار علت کلان اشاره داشت:

- عقب ماندگی عربستان در قیاس با دیگر نظام‌های سیاسی توسعه یافته اسلامی همچون ترکیه و حتی قطر؛
- مسئله توسعه و الگوبرداری از توسعه غربی در عربستان؛
- حضور نخبگان فکری و ابزاری جدید در عربستان؛
- اتهامات وسیع نظام‌های حقوقی و سیاسی بین الملل در قبال سیاست‌ها، ساختارها و اقدامات مذهبی و افراطی وهابیسیم در عربستان و دیگر مناطق خاورمیانه و آسیا؛
- اثبات شایستگی پادشاهی آینده عربستان به متحدین غربی به ویژه ایالات متحده؛

- ایجاد یک طبقه جدید حامی و وفادار برای خود در عربستان سعودی از میان جوانان، بانوان، طیف‌های تحصیلکرده و روشنفکران حامی غرب به جای تأکید بر حمایت‌های مذهبی وهابیسمنتی (Firro, 2018: 103-105).

گسست بن سلمان از وهابیسمنتی در نظام عربستان بر اساس تئوری جستاری اسپریگنز:

مرحله نخست؛ مشاهده و شناسایی مشکل جامعه

طبق تئوری اسپریگنز، در مرحله نخست؛ نظریه پرداز از بحران‌های سیاسی که جامعه با آن مواجه است آغاز می‌کند. لذا مرحله اول، بایستی به مشاهده و شناسایی مشکل جامعه مبادرت نمود. در این راستا برخی از مهم‌ترین مشکلات موجود در نظام سعودی با تأکید بر وهابیسمنتی در نگاه بن سلمان عبارت‌اند از:

نگاه متمایز بن سلمان و وهابیسمنتی به مفهوم توسعه با تأکید بر مفهوم بدعت: نخستین مشکل بن سلمان با علمای وهابی سنتی این کشور را بایستی در مسئله توسعه و الگوبرداری از غرب جست. اصولاً از مفهوم توسعه تعاریف متعددی شده است اما به طور کلی توسعه سیاسی را می‌توان به مثابه فراگردی دانست که ساختارهای لازم را برای نهادینه کردن و مشارکت طیف‌های مختلف سیاسی فراهم کرده و مهم‌ترین هدف خود را معطوف به پیشرفت، صنعتی شدن، رفع وابستگی، ایجاد تحولات ساختاری در تمام بخش‌های جامعه و گذار از حالت نامطلوب زندگی گذشته به شرایط بهتر می‌داند ((Jilson, 2019:366). از دیدگاه دنیل لرنر، رهایی از سنت‌های کهن و روی آوردن به شهرها و از میان برداشتن پیوندهای سنتی و دینی شرط توسعه سیاسی می‌باشد ((Miliks and Nelson, 2019: 278). به نظر می‌رسد بن سلمان نیز با تمسک به همین برداشت از توسعه بسیاری از اصلاحات عمیق سیاسی، اقتصادی، هویتی و فرهنگی در عربستان سعودی را در گسست از سنت‌ها و پیوندهای قدیمی از مذهب دانسته است ((Christian, 2019: 27-29). در واقع، تاپیش از حضور بن سلمان در قدرت، هرگونه برنامه‌های مبتنی بر توسعه به ویژه توسعه غربی به شدت از سوی

علمای وهابی رد و مصداق بارز بدعت در دین تلقی شده و با مدعیان و هواداران چنین اندیشه‌هایی به شدیدترین وجه ممکن برخورد می‌شده است (الحقیان، ۱۴۴۰: ۷۹). چراکه سیاست داخلی این کشور حول نفی ظهور هرگونه طبقه جدید (اعم از طبقات مذهبی و سیاسی) و حرمت پیاده سازی الگوهای توسعه غربی در نظام اسلامی و مبارزه برای ریشه کن کردن آن‌ها بوده است اما حضور بن سلمان و طرح و اجرای سند توسعه ۲۰۳۰، مجوز ساخت کلیسا در خاک عربستان، احیای جایگاه حقوق زنان و الغای حجاب اجباری آنان در انظار عمومی و ... (که همگی پیش‌تر مصداق بارز بدعت در دین تلقی می‌گردید)، امروز با نام توسعه و گام برداشتن در راه پیشرفت عربستان سعودی از آن یاد می‌شود (Hope, and Scheck, 2020: 119-122). این در حالی است که در همان بازه زمانی، مفتی اعظم وهابی، الگو برداری توسعه از کشورهای غربی را حرام دانست و در استدلال خود الگو برداری از توسعه غربی را مصادف با اختلاط میان زنان و مردان نامحرم دانسته بود (البرصان، الحمد و الرشیدان، ۱۴۴۱: ۵۵-۵۶).

اختلافات بن سلمان و وهابیسم سنتی در مسائل حقوقی و بین‌المللی با تاکید بر مفهوم جهاد: دومین مشکل بن سلمان با وهابیسم را می‌توان به اتهامات وسیع بین‌المللی به وهابیسم در خصوص مسائلی همچون تروریسم و خشونت دانست. ریشه این مسئله را نیز می‌توان در مفهوم جهاد یافت. تکفیرگرایی و جهاد با کافران و بدعت‌گرایان از مؤلفه‌های مهم تفکرات وهابیت و به تبع آن سلفی‌گری می‌باشد که ابن تیمیه در ابتدای دعوت خویش آن را پردازش کرد. از نظر وی هر چیزی که در زمان پیامبر و سلف صالح نبوده بدعت است، بنابراین برای محو آن‌ها باید شمشیر به دست گرفت (Rundell, 2020: 66-67). بدین ترتیب، ابن تیمیه جهاد را جزء ارکان دین قرار داد و آن را حتی برتر از حج، نماز و روزه بر شمرد. محمد بن عبد الوهاب نیز جهاد را امری ضروری تلقی می‌کرد به طوری که در پیمان اول خود با محمد بن سعود در سال ۱۷۴۴ از وی سوگند می‌گیرد که برای نشر تفکرات سلفی به جهاد برخیزد. وی مردم را به توحیدی که خود قبول داشت دعوت می‌کرد و هرکسی که می‌پذیرفت جان و مالش در امان بود، وگرنه مانند کافر حربی با وی برخورد می‌شد. امروزه اهمیت جهاد در آیین مذهبی عربستان سعودی تا بدان حد است که در پرچم این کشور نیز هویدا است.

شمشیری که به شکل افقی در قسمت پایین ترسیم شده، نمادی از جنگ مقدس است که پایه تشکیل حکومت سعودی می‌باشد (اختیاری امیری، ۱۳۹۴: ۱۳۳). به همین ترتیب یکی از مهم‌ترین اصولی‌ات سیاست خارجی عربستان سعودی حداقل از دهه ۱۹۸۰ میلادی تا کنون صدور ایدئولوژی وها بیسم به منطقه با عنوان مبارزه با رافضیون (شیعیان) و کفار با عنوان «الجهاد فی سبیل الله» بوده است. لذا بازخورد چنین سیاستی در عرصه خارجی، دو مسئله کلان بوده است. نخست؛ شکلگیری امواج چندگانه گروهک‌های تروریستی همچون طالبان، القاعده، داعش و النصره و بوکوحرام و ... و نفوذ ناامنی به مرزهای کشورهای منطقه، افریقا، شرق آسیا و اروپا و حتی ایالات متحده که اوج آن حادثه تروریستی ۱۱ سپتامبر بوده است (سیمبر، ساکی و مهدی زاده، ۱۳۹۶: ۱۳۷) و دوم؛ اتهامات وسیع سازمان‌های حقوقی و امنیتی بین‌المللی در قبال ایدئولوژی‌های خشونت‌آمیز و اقدامات تروریستی وها بی‌ها (Huzaimi, 2020:33). بنابراین قرار گرفتن عربستان در بسیاری از اقدامات تروریستی و مخرب و تشکیل پرونده‌های قضایی و بین‌المللی فراوان برای این کشور یکی از اهرم‌های فشاری است که همواره سران ایالات متحده علیه سعودی‌ها اعمال کرده‌اند و این کشور را به خواسته‌ها و برنامه‌های خود مجاب کرده‌اند (در قبال سکوت علیه جنایات وها بیون سعودی) (Novak, 2018:67).

چالش بن سلمان و علمای وها بی بر سر مسائل فرهنگی و هویتی: سومین مشکل
بن سلمان و وها بیسم را می‌توان در تحولات وسیع فرهنگی در نظام عربستان سعودی دانست. در این راستا بایستی به چالش‌های فزاینده وی و علمای وها بی در قبال طرح‌های توسعه فرهنگی که مبنایی غربی دارند، (همچون سند توسعه ۲۰۳۰ در نظام عربستان سعودی) اشاره نمود. اصولاً سند توسعه ۲۰۳۰ در عربستان سعودی بر پایه کثرت‌گرایی و تساهل دینی شکل گرفته است و بی شک بن سلمان در راستای تحقق این سند توسعه با چالش‌های عمیق وها بیون سنتی و اقلیت‌های مذهبی در این کشور مواجه خواهد شد. از طرفی، بن سلمان در این طرح توسعه به دنبال توسعه درآمد اقتصادی، بهبود رشد اجتماعی، تحول در فرهنگ نظام سعودی و حمایت از طبقاتی است که پیش‌تر از سوی علمای وها بی یا منزوی بودند و یا اجازه حضور و فعالیت

نداشتند مانند زنان و جوانان. نکته مهم در این میان تبیین این مسئله است که سند ۲۰۳۰ گذشته از آنکه تغییرات وسیعی در ساختارهای بهداشتی، آموزشی، زیرساختی، تفریحی و گردشگری عربستان سعودی ایجاد کرده، به دو مسئله دیگر نیز منتهی شده است: نخست؛ معرفی بن سلمان به عنوان یک فرد اصلاح طلب و ایجاد محبوبیت فزاینده وی در میان طبقه‌هایی همچون جوانان، روشنفکران غرب‌گرای سعودی و زنان این کشور و دوم؛ ایجاد یک طبقه متوسط جدید در عربستان سعودی که حامی سیاست‌های اصلاحی بن سلمان هستند به ویژه روشنفکران حامی غرب و جوانان (Hope and Scheck, 2020: 214-215) برخی از مهم‌ترین اصلاحات فرهنگی صورت گرفته از سوی بن سلمان در این راستا در شکل ذیل تبیین شده‌اند.



شکل شماره ۱. برخی از مهم‌ترین اقدامات اصلاحی بن سلمان در نظام عربستان سعودی

در این رابطه واکنش علمای وهابی در قبال اقدامات و اصلاحات وسیع بن سلمان حول دو رویکرد کلان بوده است: نخست؛ صبر و سکوت؛ چرا که بقا و حضور خاندان آل شیخ در قدرت مذهبی و حتی سیاسی منوط به پیروی و تابعیت محض از خاندان سلطنت است. دوم؛ اعتراضات وسیع برخی از علمای وهابی همچون شیخ محمد ربان

الشیخ، شیخ احمد مصطفی الطیبی و همچنین شیخ عبدالله التیمی و متعاقب آن اخراج این سه نفر از مناصب مذهبی و الغای حق عضویت آنان در شورای عالی وهابیت و حتی دستگیری و زندانی برخی از آنان همچون شیخ عبدالله التیمی (Feldman, 2020: 31-34).

عدم مرجعیت وهابیسم سنتی در پاسخ به نیازهای داخلی و جدید نظام سعودی:
چهارمین مشکل بزرگ در این میان به زعم بن سلمان فرماندن اندیشه‌های وهابی در قرون ابتدایی اسلامی و به عبارتی عدم توانایی و به روز رسانی این ایدئولوژی و ایدئولوگ‌های آن در عصر جدید است. در این رابطه می‌توان به سه مسئله اصلی اشاره نمود: نخست؛ با توجه به ساختار دگماتیک وهابیسم و تاکید صرف بر سنت و نفی عقل‌گرایی، هرگونه اعتراض علیه این مکتب و علمای آن با برخوردهای شدیدی مواجه می‌گردد. به خصوص زمانی که علمای وهابی در پاسخ به موضوعات روز جوانان و طیف‌های تحصیلکرده سعودی باز می‌مانند شدت برخوردها و رویکردهای دگماتیستی تشدید می‌گردد. دوم، اعتراض، تمسخر و استهزاء بسیاری از علمای اعظم وهابی از سوی طیف‌های مختلف اجتماعی به سبب فتاوی‌ی بحث برانگیز و پخش وسیع آن در شبکه‌های اجتماعی داخلی و خارجی. سوم افول شدید تعهد و تعصب جوانان، روشنفکران و بانوان سعودی به ایدئولوژی وهابیسم سنتی (وردانی، ۱۴۳۹: ۳۷-۳۹).

مرحله دوم: تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه:

پس از تشخیص کژکارکردهای نظام ایدئولوژیکی وهابیسم سنتی از سوی بن سلمان در مرحله دوم، تشخیص علل و عوامل مشکلات ایجاد شده از سوی وهابیسم سنتی مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

دامنه اختیارات گسترده علمای وهابی: نخستین علت در تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه را می‌توان دامنه اختیارات وسیع علمای ارشد وهابی در نظام سعودی دانست. در این رابطه بایستی خاطر نشان شویم که دامنه قدرت و اختیارات خاندان آل شیخ به مثابه اولین و مهم‌ترین مرجعیت مشروعیت بخش در نظام سعودی بسیار زیادست. ائتلاف آل سعود و آل شیخ (نوادگان محمد بن عبدالوهاب) یک ائتلاف

راهبردی در نظام سیاسی سعودی است. به این صورت که خاندان آل شیخ به بقای سلطنت آل سعود مهر مشروعیت مذهبی زده و خاندان سلطنت نیز طیف وسیعی از اختیارات مذهبی و اجرایی نظام سعودی را به مفتیان اعظم وهابی اعطا می‌کند (جعفری ولدانی و جعفری، ۱۳۹۴: ۲۰۵). در این رابطه می‌توان به «کمیتة دایمی تحقیقات دینی و صدور فتاوا» در عربستان اشاره نمود که تنها نهاد صدور فتاواي مذهبی در این کشور است که تحت نظارت مطلق خاندان آل شیخ قرار دارد. هیئت امر به معروف و نهی از منکر که به مثابه یک نهاد اجرایی و نظارتی قدرتمند قلمداد می‌شود نیز در اختیار کامل این خاندان قرار دارد. فتوای مذهبی در تائید پادشاه جدید نظام سعودی نیز از اختیارات این خاندان قرار دارد.^۱ برخی دیگر از نهادها و سازمان‌های مذهبی و تاثیرگذار در عربستان سعودی که ید قدرت و استیلای خاندان آل شیخ قرار دارد عبارت‌اند از: مجلس شورای ارشاد، مجلس شئون اسلامی، سازمان حج، سازمان علمی فتاواي مذهبی، شورای مذهبی مرتبط با شهرهای مکه و مدینه، ریاست دانشگاه امام سعود، سازمان ترویج قرآن کریم و... (Nahouza, 2018: 169-171). با توجه به ماهیت محافظه کاری بسیار بالای خاندان آل شیخ، اعتقاد راسخ به سنت، نفی هرگونه عقل‌گرایی، دامنه وسیع قدرت مذهبی این خاندان و در نهایت و مرجعیت مطلق آنان در صدور فتاواي شرعی و دینی، بن سلمان را به این نتیجه‌گیری رسانده است که یکی از مهم‌ترین موارد تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه عربستان سعودی برای تحقق مدرنیسم قدرت بسیار زیاد اجرایی مفتیان اعظم وهابی سعودی می‌باشد که بایستی محدود گردد.

بافت مذهبی عربستان سعودی: عربستان سعودی به غیر از مسئله نفت و درآمدهای کلان آن، از یک منبع مذهبی و هویتی بسیار غنی نیز بهره می‌برد. این کشور به سبب وجود خانه کعبه و بقاع متبرکه پیامبر اسلام (ص) و چهارتن از ائمه اطهار (ع) از قدسیت بسیار بالایی برای همه مسلمانان جهان برخوردار است. این مسئله سعودی‌ها را حداقل برای بخش مهمی از جهان اسلام، به مثابه الگو و رهبر قرار داده است

۱. خاندان آل شیخ با صدور فتوا در خصوص تصدیق مشروعیت مذهبی پادشاهی جدید سعودی (پادشاهی که انتخاب می‌شود) اعلام می‌کنند که بر اساس اعلام نظر مفتیان اعظم سعودی، پادشاه (انتخاب شده) بر اساس قرآن و سنت پیامبر بیشترین مشروعیت مذهبی را برای تصدی پادشاهی این کشور داراست.

(عالیشاهی، مسعودنیا و فروزان، ۱۳۹۶:۵۱). بافت مذهبی عربستان سعودی را می‌توان همواره یک فرصت مهم و بزرگ برای سلاطین آل سعود در نظر گرفت. اما از طرفی، در بسیاری از موارد چنین مسئله‌ای منع بزرگی برای پادشاهان این کشور در اجرای سیاست‌های مورد نظر آنان کرده است. به عنوان مثال، برقراری روابط با رژیم صهیونیستی را می‌توان در این رابطه نام برد. به سبب حمایت طیف وسیعی از مسلمان جهان اعم از شیعه و سنی از آرمان‌های قدس، بسیاری از پادشاهان سعودی علیرغم میل باطنی خود (به ویژه در عصر جدید) که تمایل به رسمی شدن روابط با این رژیم داشته‌اند اما در عمل نتوانسته‌اند این مسئله را پیگیری کنند هرچند شواهد بسیاری دال بر وجود روابط مخفیانه و سری میان بن سلمان و رهبران صهیونیستی وجود دارد (فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۸: ۱۴۱) اما واقعیت این است نوعی تعهد مذهبی به قدس، مانع از علنی شدن این مسئله در میان جوامع اسلامی شده است. از طرفی دیگر، طرح‌های توسعه‌ای همچون تأسیس خانه‌های آواز و شعر، شهرهای ساحلی و تفریحی، ساخت مجتمع‌های تفریحی برای جوانان، کازینوها و مواردی از این قبیل تا پیش از به قدرت رسیدن بن سلمان و به سبب حرمت و قدسیت بالای شهرهای مکه و مدینه منع و با عاملین آن به شدت برخورد می‌شد، هم اکنون و در دروان محمد بن سلمان در حال توسعه می‌باشند (Chothia, 2020:85-87). به همین سبب در نگاه محمد بن سلمان، دومین مسئله در تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه سعودی را می‌توان به مسئله بازدارندگی ساختار مذهبی این کشور دانست.

فقدان حضور طبقات روشنفکر و حامی تفکرات اصلاحات: سومین علت در تشخیص علل و عوامل مشکلات جامعه سعودی از نگاه بن سلمان را می‌توان فقدان حضور طبقات روشنفکر و حامی تفکرات اصلاحات عمیق در نظام سعودی مطابق نظام‌های غربی دانست. این موضوع که به نوعی در ادامه نخستین علل مشکل (دامنه اختیارات گسترده علمای وهابی) قرار می‌گیرد تأکیدی است بر این مسئله که به سبب مرجعیت بسیار قدرتمند دو خاندان آل سعود و آل شیخ در عمل امکان ظهور و تأسیس هیچ گونه نظام اندیشه‌ای جدید همچون روشنفکران حامی جریان غرب در این کشور وجود ندارد. همچنین، ترور جمال قاشقجی، روزنامه نگار و فعال اصلاح طلب سعودی

از سوی نظام سلطنت، بسترساز فشارهای متمادی جامعه بین‌المللی و متحدین استراتژیک سعودی‌ها یعنی آمریکا به این کشور به ویژه بن سلمان گردید. از طرفی، بن سلمان برای اقدامات اصلاحی خود در سطوح وسیع نیاز به حمایت از طیف‌های جدیدی دارد. این مسئله برای بن سلمان به ویژه پس از مخالفت طیف وسیعی از شاهزادگان سعودی و طرح ترور نافرجام وی بیش از پیش مهم و مورد نیاز تلقی گردیده است (فرزین راد، فروزان و عالیشاهی، ۱۳۹۸: ۶۸-۶۹). طیف‌هایی که اقدامات، طرح‌ها و سیاست‌های وی را تأیید کنند. در این رابطه می‌توان به ظهور طبقه‌های روشنفکر حامی جریان غرب، رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی حامی بن سلمان نام برد.

مرحله سوم؛ بازسازی ذهنی جامعه سیاسی، ترسیم ذهنی آرمانشهر

بر اساس تئوری اسپریگنز پس از تبیین مشاهده و شناسایی مشکل جامعه و تبیین دلایل این وضعیت در مرحله سوم، این سؤال اصلی مطرح می‌گردد که وضعیت مطلوب و نظم آرمانی چیست؟ (برزگر و عباس تبار فیروزجاه، ۱۳۸۵: ۵۵). در این مرحله، نویسندگان در صدد ترسیم وضعیت ذهنی آرمانی بن سلمان در قبال نظام سیاسی عربستان سعودی می‌باشند.

تحقق سکولاریسم و شخصی سازی مذهب در عربستان سعودی: رویکردهای بن سلمان در راستای گذار از یک نظام سنتی و قبیله‌ای به سمت یک نظام توسعه خواه بسترساز این مسئله شده است که ذهنیت جامعه سعودی تغییرات شگرفی را در قبال مذهب، وهابیت، توسعه، و الگو برداری از غرب احساس نماید. در این رابطه چهار دلیل کلان را می‌توان ذکر نمود: نخست؛ شخصیت مترقی خواه و اصلاح طلب بن سلمان که ریشه در گرایشات غربی او دارد، دوم؛ ارتباطات گسترده با غرب و کسب رضایت آنان از بن سلمان که وی صلاحیت اداره و پادشاهی آینده نظام سعودی را داراست، سوم؛ کسب حمایت از جوانان سعودی و ایجاد یک طبقه وفادار از میان طیف‌های جوان، تحصیلکرده، روشنفکر و بانوان سعودی به جای اتکا به مرجعیت مذهبی و در نهایت عدم توفیق وهابیسیم سنتی در توسعه نظام سعودی (Ulrichsen, 2019: 93-94). با توجه اینکه روند مدرنیزاسیون در نظام سیاسی عربستان یکی از مهم‌ترین اهداف بن

سلمان می‌باشد و نقشه آن نیز در سند ۲۰۳۰ تئوریزه شده است، بایستی اذعان داشت که یکی از اهداف مهم بن سلمان از مدرنیزاسیون در عربستان، تحقق سکولاریزم و انزوای وهابیون سنتی و رادیکال این کشور از عرصه قدرت و سیاست می‌باشد. به دیگر سخن، بن سلمان درصدد است وهابیسیم را تا حدود یک مذهب فردی تقلیل دهد. در تبیین این مسئله می‌توان به دو عامل مهم و اثرگذار اشاره نمود. نخست، فشارهای اعمال شده از سوی آمریکا و دیگر متحدین غربی به بن سلمان برای تحقق سکولاریزم و دوم؛ تجربه موفق الگوی توسعه سیاسی مبتنی بر سکولاریزم در جهان اسلام به ویژه در ترکیه. بنابراین مذهب مورد نظر بن سلمان یک مذهب فردگرا، فاقد هرگونه قدرت بسیج‌کنندگی، محدود و دارای انعطاف زیادی است.

۱۹۳

پژوهش‌های بین‌المللی
روابط بین‌الملل

کژکارکردهای
وهابیسیم و تعمیق
شکاف بن سلمان با
وهابیون عربستان
سعودی



شکل شماره ۲. ویژگی‌های مذهب مطلوب از دیدگاه بن سلمان در نظام عربستان سعودی (منبع: Ulrichsen, 2019: 113)

توقف تدریجی صدور ایدئولوژی وهابیسیم و بنیادگرایی به کشورهای منطقه: یکی از اصول مهم سیاست خارجی و منطقه‌ای سلاطین سعودی و مفتیان اعظم وهابی این کشور ترویج اسلام وهابی بوده که اوج این سیاست‌ها، شکلگیری گروهک تروریستی-تکفیری داعش بوده است. این گروه ابتدا با حمایت‌ها و فتاوای مفتیان اعظم سعودی به

لحاظ ایدئولوژیکی دارای مشروعیت زیادی شد تا حدی که فتوای مشهور جهاد نکاح در راستای حمایت از نیروهای داعش از سوی مفتی اعظم سعودی صادر گردید (فتحی و غفاری، ۱۳۹۸). در ادامه با اعزام نیروهای تروریستی در قالب مجاهدین به کشورهای عراق و سوریه حمایت‌های انسانی لازم از این اقدام تروریستی صورت پذیرفت. در نهایت نیز حمایت‌های کلان اقتصادی از نیروهای داعش صورت پذیرفت تاجایی که عربستان سعودی به همراه قطر در صدر بیشترین حامیان اقتصادی و انسانی داعش تلقی گردیدند (آدمی و بهادرخانی، ۱۳۹۷: ۱۶). اما مجموعه ناکامی‌ها در بحران‌های عراق، سوریه و یمن، هزینه‌های کلان اقتصادی صرف شده در این بحران‌ها که در عمل دستاورد خاصی برای سران سعودی به همراه نداشت و در ادامه اتهامات وسیع جامعه بین‌المللی در خصوص جنایات سعودی‌ها در بحران‌های اخیر به ویژه جنگ یمن، بن سلمان را به این جمع بندی رسانده است که به جای اتکا به سیاست‌های خصمانه و جنگ طلبی به سیاست‌های مبتنی بر تنش زدایی و بهبود روابط مبادرت نماید.^۱ در واقع به نظر می‌رسد بن سلمان ابتدا درصدد مدرنیزاسیون، توسعه و ساخت یک نظام قدرتمند سیاسی از درون می‌باشد تا بتواند این نظام توسعه یافته سعودی را الگویی برای سایر کشورهای منطقه ساخته و روابط خارجی خود را در ادامه با اتکا بر یک نظام متقن و سکولار با دیگر کشورها بهبود بخشد.

الگو سازی سکولاریسم سعودی برای اعراب خاورمیانه: واقعیت این است که عربستان سعودی برای بسیاری از کشورهای عرب منطقه به مثابه یک الگو می‌باشد. به همین سبب، گذار احتمالی نظام اندیشه ای و عینی سعودی‌ها از وهابیت سنتی به یک نظام سکولار می‌تواند الگویی برای سایر کشورهای منطقه و جهان اسلام تلقی گردد، به دیگر سخن به تعبیر نویسندگان با گذر سعودی‌ها به یک نظام سکولار می‌توان شاهد گذار سایر کشورهای اسلامی همچون امارات متحده عربی، کویت، عمان، قطر و حتی

۱. هرچند بایستی اذعان داشت سیاست‌های خصمانه بن سلمان در قبال شیعیان کماکان به قوت خود باقی است. علت این عناد این مسئله نیز احساس خطر فزاینده بن سلمان از صدور و سرایت انقلاب شیعی به درون نظام سعودی و تهییج شیعیان این منطقه علیه آل سعود می‌باشد.

مصر (با تاکید بر سیاست‌های عبدالفتاح السیسی) به سمت و سوی یک نظام سکولار بود.

مرحله چهارم؛ ارائه درمان برای حل و فصل مشکل جامعه

آخرین مرحله در تبیین یک نظریه سیاسی ارائه راه حل برای درمان مشکل است یعنی نظریه پرداز با در نظر گرفتن شرایط و امکانات واقعاً موجود سعی می‌کند بهترین راه حل را برای رفع مسئله تشخیصی خود بیان کند. در واقع راهکار عملی نظریه پرداز در این زمان خود را نشان می‌دهد (برزگر و مجتهدی، ۱۳۹۶: ۳۴). در این رابطه برخی از مهم‌ترین رویکردها و راهکارهای بن سلمان عبارت‌اند از:

کاهش چشمگیر دامنه اختیارات علمای اعظم وهابی: بن سلمان از ابتدای فعالیت در سمت ولایتعهدی، مبارزه با افراط‌گرایی مورد نظر وهابیون را با تغییرات اساسی مواجه گردانید به این صورت که وی در نخستین اقدام، مرکز بین‌المللی «تقابل با اندیش‌های افراط‌گرایی و رادیکالیسم» را بنا نهاد (Koelbl, 2020: 84). وی در ادامه، به کاهش شدید حوزه اختیارات سازمان امر به معروف و نهی از منکر عربستان که در استیلای کامل و مطلق آل‌شیخ قرار داشت مبادرت نمود. وی سپس با طرح سند توسعه ۲۰۳۰ سعودی، اعلام داشت که برای تحقق توسعه در عربستان لاجرم بایستی تغییرات اساسی در ذهنیت‌ها و اندیشه‌های دگم ایجاد کرد، جمله‌ای که از آن می‌توان به مثابه جنگ علنی بن سلمان علیه مفتیان ارشد سعودی یاد کرد. اوج این چالش‌ها زمانی بود که بن سلمان، بسیاری از علما و مبلغان معروف را به سبب اندیشه‌های افراطی و رادیکال محاکمه و بازداشت کرد. وی در نهایت بسیاری از اختیارات «هیئت امر به معروف و نهی از منکر» موسوم به «الحسبه» که در زمان تمامی پادشاهان سعودی حضوری فعال داشتند را کاست تا جایی که این گروه هم اکنون علناً توانایی اعمال قدرت خاصی را ندارد (Ulrichsen, 2019:3-4).

احیای حقوق زنان در عربستان سعودی: تا پیش از حضور بن سلمان در عرصه قدرت، زنان سعودی از کمترین حقوق مدنی و شهروندی برخوردار نبودند تا جایی که حتی حضور بانوان به تنهایی در خیابان حرام تلقی می‌شد اما هم اکنون این مسئله با

۱۹۵



کژکار کرده‌های
وهابیسم و تعمیق
شکاف بن سلمان با
وهابیون عربستان
سعودی

استحاله ای عمیق در نظام سعودی مواجه گردیده است به نحوی که حضور زنان در سطوح عالی دانشگاه‌ها، حق رانندگی برای زنان، حضور بانوان در استادیوم‌های ورزشی، منع حجاب اجباری زنان، تدوین قانون مبارزه با آزار و اذیت زنان از سوی همسران یا خانواده‌هایشان، آزادی برهنگی زنان در سواحل در کنار مردان، انتصاب خانم «ایمان عبدالله الغامدی» به عنوان معاون شهردار در استان «الخبر» برای نخستین بار در تاریخ سعودی و انتصاب خانم «فاطمه سالم باعشن» به عنوان نخستین سخنگوی زن سفارت عربستان سعودی در واشنگتن را در تاریخ این کشور می‌توان ذکر نمود. بن سلمان در نهایت در اقدامی بحث برانگیز که بسیاری از تحلیلگران آن را دهن کجی و توهین به علمای وهابی می‌دانند، صدور فتوا از سوی زنان مفتی را در عربستان آزاد اعلام نمود. چنین اقدامی به انحصار ۴۵ ساله مفتیان وهابی در صدور فتوا پایان داده و مرجعیت مطلق مذهبی آنان را به شدت به چالش کشید (Hubbard, 2020:246). هرچند اقدامات بن سلمان را می‌توان تلاش وی برای کسب رضایت و حمایت‌های متحدین غربی از پادشاهی آینده وی دانست اما بایستی اذعان داشت که حتی اگر این تحلیل نیز درست باشد، در نهایت علمای وهابی بازنده این جریان خواهند بود.

کمرنگ شدن روز افزون ارزش‌های دینی و اسلامی در این کشور: تا پیش از بن سلمان، علما و زعمای وهابی در عربستان هرگونه فعالیت‌های مرتبط با غنا، آوازخوانی، برگزاری کنسرت و موارد اینچنینی را حرام اعلام نموده و با مسیبان آن به شدیدترین وجه برخورد می‌نمودند (Alishahi and Forouzan, 2018:5). اما با حضور بن سلمان در قدرت، نه تنها حرمت شرعی این مسئله ملغی گردید، بلکه بن سلمان شخصاً با تأسیس «هیئت ترفیه» کاملاً از چنین اقداماتی حمایت نمود. از طرفی اعطای قانون آزادی فروش مشروبات الکلی در برخی از مکان‌های تفریحی و فرهنگی، اوج اعتراضات وهابیون به سیاست‌های بن سلمان بود اما وی نه تنها اعتنایی به چنین اعتراضاتی نکرد بلکه با تأسیس شهر اختصاصی -تفریحگاهی با عنوان «قدیه» که بسیاری از تحلیلگران این اقدام بن سلمان را الگوبردای از شهرهای تفریحی غرب همچون «دیزنی لند» می‌دانند علناً نشان داد الگوی توسعه غربی و در راستای تحقق سکولاریزم در نظام

سعودی گام بر می‌دارد. بن سلمان در توجیه این اقدام، چهار علت اصلی را نام برد که عبارت‌اند از:

۱. وجود مکان‌هایی شاد و جذاب و جدید برای جوانان سعودی؛
۲. ایجاد درآمدزایی داخلی برای عربستان و عدم وابستگی محض به درآمدهای نفتی؛
۳. حضور مردم کشورهای منطقه در عربستان در این مناطق و افزایش درآمدهای مرتبط با گردشگری؛
۴. حل و فصل مشکلات بین‌المللی و حضور آزادانه خوانندگان زن و مرد بین‌المللی در برگزاری کنسرت‌ها در عربستان (Hosseinpour; Mahipour and Alishahi, 2019: 47-48).

۱۹۷



کژکار کرده‌های
وها بیسم و تعمیق
شکاف بن سلمان با
وها بیون عربستان
سعودی

شکل‌گیری طبقه جدید روشنفکران حامی غرب و رسانه‌ها در عربستان سعودی با حمایت‌های وسیع بن سلمان: از اقدامات مهم دیگر بن سلمان در دوره ولایتعهدی حمایت‌های وسیع او از طیف‌های رسانه‌ای و مطبوعاتی داخلی هوادار جریان لیبرال دموکراسی است. پیش‌تر در نظام عربستان سعودی هرگونه حمایت از اندیشه‌ها و سیاست‌های مرتبط با جریان‌ات لیبرال جرم بزرگی محسوب می‌گردید چرا که آشنایی با اندیشه‌های لیبرال دموکراسی خطر بزرگی برای پادشاهان سعودی و مفتیان وهابی این کشور تلقی گردیده و بستر ساز آشنایی جامعه عربستان سعودی با مفاهیمی همچون پارلمان، آزادی، مشروطیت، نظارت، فسادستیزی، پاسخگویی و... می‌گردید (Qadhi, 2020:22). مفتیان اعظم وهابی خطرات فزاینده رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی را به خوبی در مسائلی همچون جهاد نکاح، قتل قاشچقی و برخی دیگر از فتاوی‌ای عجیب که در شبکه‌های اجتماعی جنجال بزرگی ایجاد کرده بود، درک کرده‌اند. به همین دلیل خاندان آل شیخ در فتوایی عجیب اعلام داشتند: «رسانه‌ها می‌خواهند اوضاع را دگرگون کنند و زنان بر مردان مسلط شوند» بنابراین بسیاری از رسانه‌ها از مشروعیت مذهبی برخوردار نیستند (Riedel, 2019: 81). اما با حضور بن سلمان در عرصه قدرت بسیاری از رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی حامی اندیشه‌ها و جریان‌های غربی نه تنها از خطرات فتاوی‌ای مرجعیت مذهبی رها شدند که مورد حمایت‌های وسیع وی نیز قرار گرفتند. وی در ادامه و به صورت مستقیم به حمایت از نهادها و افرادی برآمد که جریان

وهابیسم این کشور را به باد انتقادات اندیشه‌ای و عملکردی قرار دادند. به عنوان مثال، برخی از روشنفکران حامی جریان لیبرال در عربستان که شدیدترین انتقادات را علیه وهابیون این کشور ابراز داشته و آنان را حامیان خشونت و بربریت در تاریخ سعودی قلمداد نمودند، تنها از سوی دستگاه سلطنت سعودی بازداشت و مورد محاکمه واقع نشدند بلکه در ادامه مستقیماً از سوی بن سلمان مورد حمایت‌های وسیع ساختاری و ابزاری برای توسعه رویکردهای روشنفکری واقع شدند. اوج اقدامات بن سلمان در این رابطه را می‌توان آغاز به فعالیت شبکه‌های ماهواره‌های «روتانا» و «السعودیه ۲۴»^۱ آغاز به کار رسمی حساب توئیتری با عنوان «نحو الحریه»^۲ که اندیشه‌های وهابیسم سنتی را در عربستان به مثابه یک جریان دگماتیسم تلقی کرده و انتقادات بسیار تندی را علیه آنان مطرح می‌کنند، بدون آنکه مورد بازخواست و محاکمه واقع شوند (Koelbl, 2020: 117).

حذف تدریجی آموزه‌های وهابیسم از نظام آموزشی عربستان: پنجمین اقدام محمد بن سلمان را می‌توان حذف تدریجی آموزه‌ها و اندیشه‌های وهابی از کتب آموزشی در نظام تحصیلی عربستان دانست. وی در راستای تحقق آموزش نوین دانش آموزان سعودی، برنامه آگاه سازی اسلامی را به دلیل ترویج افراط گرایی در کلیه مدارس سعودی لغو و تمامی کمیته‌های مرتبط با این برنامه را منحل کرد. در گام دوم، به دستور بن سلمان، کتب آموزشی قدیم همگی جمع آوری و کتب جدید درسی به سرعت در حال تدوین و توزیع می‌باشند. کتب درسی جدید در نظام آموزشی جدید سعودی بر این محور استوار است که اولاً در آن سخنی از ویژگی‌های حکومت اسلامی حضرت رسول (ص) و حتی خلفای راشدین عنوان نشود و ثانیاً عقاید وهابی و نظریه‌های ابن تیمیه کاملاً پاکسازی شده و در نهایت نیز کتاب‌های جایگزین با محوریت تسامح، تساهل، مدارا و دوستی و صلح ارائه گردند. اقدامات بن سلمان در این راستا تنها به حذف

۱. یکی از این روشنفکران، دکتر عدنان ابراهیم، روشنفکر غرب‌گرای سعودی است که در رسانه‌های ملی سعودی بیشترین انتقادات را علیه خاندان آل شیخ ابراز داشته است.

۲. در این شبکه‌های ماهواره‌ای، حمایت‌های اقتصادی گسترده از نویسندگان، روزنامه نگاران، فعالان شبکه‌های اجتماعی و روشنفکران حامی جریان لیبرالیسم در نظام عربستان سعودی صورت می‌گیرد.

۳. به سوی آزادی

آموزه‌های وهابی از کتب آموزشی و درسی سعودی‌ها منتهی نشد. وی در اقدامی شدیدتر، بیش از ۱۲ هزار معلم و استاد دانشگاه با گرایش‌ات وهابی را من فصل از خدمت و حتی بازداشت نمود. در نهایت نیز به دستور بن سلمان تمامی معلمان حاضر در نظام عربستان سعودی که اصالتی عراقی، مصری، اردنی و سوری داشتند و مروج اندیشه‌های وهابی بودند از این کشور اخراج شدند (احمد جبریل، ۱۴۴۲: ۸-۹).

نتیجه‌گیری

اندیشه وهابیت به مثابه یک آبشخور اندیشه ای مهم، اثرات گسترده اندیشه ای، سیاسی، امنیتی و حتی اقتصادی را بر منطقه خاورمیانه و جهان اسلام گذارده است. عمده شاخصه‌های مهم مکتب وهابیسیم، محافظه کاری، فقدان هرگونه انعطاف، منعیّت عقل‌گرایی در دین، برخورد افراطی و خصمانه با طیف‌های مخالف و به طور کلی مخالفت با ظهور هرگونه بدعت در دین اسلام می‌باشد. شاخصه‌هایی که عمدتاً دو پیامد مهم را برای پیروان این مکتب به ویژه سعودی‌ها به همراه داشت: نخست؛ اتهامات گسترده علیه این مکتب اندیشه ای (اتهاماتی نظیر حمایت تروریسم، خشونت، شکنجه، اعدام و نقض عمده حقوق بشر) و دوم عقب ماندگی و فقدان توسعه. با ظهور محمد بن سلمان در سمت ولایتعهدی (که به نظر می‌رسد عنقریب در سمت پادشاهی نظام سعودی نیز قرار گیرد) و توسعه روابط سعودی‌ها با نظام غرب به ویژه ایالات متحده، طرح و اجرای مجموعه‌ای از سیاست‌ها و رویکردها، به نظر می‌رسد نظام سعودی‌ها به لحاظ اندیشه‌ای و عینی با استحاله‌ای عمیق مواجه گردد. استیفای حقوق زنان در عربستان، موافقت با ساخت کلیسا در عربستان، چالش‌های عمیق با زعما و علمای سنتی و رادیکال وهابی و طرح و اجرای برنامه توسعه ۲۰۳۰ در این کشور را می‌توان در راستی آزمایی این مسئله مطرح نمود. سیاست‌هایی که با حمایت‌های وسیع دونالد ترامپ، جرد کوشنر، مایک پمپئو و برخی دیگر از متحدین استراتژیک وی همراه بوده است. از طرفی، پیامدهای محتمل این مسئله را می‌توان به واکنش طیف‌های مختلف مذهبی همچون اسلام‌گرایان رادیکال، برخی از قبایل سنتی و محافظه کار متحد خاندان سلطنت، برخی از شاهزادگان مدعی قدرت، مفتیان اعظم وهابی مرتبط دانست. در این مقاله مساعی نویسندگان ارائه

پاسخ به این سؤال بوده است که با توجه به اصلاحات عمیق بن سلمان در عربستان، جایگاه وهابیسم سنتی چه تغییری کرده است؟ یافته‌های مقاله که با بهره‌گیری از روش جستاری اسپریگنز نشان دادند که بن سلمان در گام نخست، وهابیسم سنتی و ایدئولوگ‌های محافظه‌کار آن را مشکل نظام سعودی دانسته است. در مرحله تشخیص علل و عوامل مشکل جامعه، حضور قدرتمند قوانین مذهبی و دگماتیسم وهابیون، بستر ساز وقوع بخش مهمی از مشکلات جامعه کنونی عربستان سعودی در عقب ماندگی، عدم تساهل، افراط و خشونت ناشی از سیاست‌های علما و زعمای وهابی این کشور گردیده است. در مرحله سوم، بن سلمان با توجه با آشنایی با الگوهای غربی توسعه، درصدد ترسیم ذهنی آرمان شهر در عربستان سعودی بر اساس الگوهای یک نظام توسعه یافته غربی برآمده و در نهایت در مرحله چهارم در راستای ارائه درمان جهت حل و فصل مشکل جامعه عربستان سعودی می‌توان به انزوای وهابیون سنتی و تحقق یک نظام سکولار در عربستان سعودی اشاره نمود.

منابع

فارسی:

- آدمی، علی و بهادرخانی، محمدرضا. (۱۳۹۷). «الگوی رفتاری عربستان سعودی در منطقه غرب آسیا و تاثیر آن بر منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (مطالعه موردی: بحران یمن)»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، سال هفتم، شماره ۴، صص ۱-۲۳.
- اسپریگنز، توماس. (۱۳۹۸). *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی، تهران: انتشارات آگاه.
- اختیاری امیری، رضا. (۱۳۹۴). «تأثیر تقابل وهابیت سعودی با گفتمان انقلاب اسلامی ایران بر ژئوپلتیک جدید خاورمیانه»، *فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام*، دوره دوم، شماره ۶، صص ۱۴۹-۱۲۵.

برزگر، ابراهیم و مجتهدی، آرزو. (۱۳۹۶). «اندیشه سیاسی روزبهران خنجی و الگوی اسپریگنز»، **فصلنامه سیاست**، دوره چهل و هفتم، شماره ۱، صص ۲۳-۴۰.

برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۵). مسأله فلسطین در اندیشه سیاسی اسلام معاصر و روش جستاری اسپریگنز، **فصلنامه پژوهش حقوق عمومی**، سال ششم، شماره ۱۲، صص ۴۵-۷۵.

برزگر، ابراهیم و عباس تبار فیروزجاه، حبیب الله. (۱۳۸۵). اندیشه سیاسی فارابی و روش جستاری اسپریگنز، **فصلنامه حقوق و سیاست**، سال هشتم، شماره ۲۱، صص ۷۸-۵۳.

تاجیک، هادی؛ عالیشاهی، عبدالرضا و مجیدی نژاد، سید علی. (۱۳۹۳). گفتمان حاکم بر شکل گیری و فعالیت‌های داعش بر اساس نظریات اسپریگنز- تیلی، **فصلنامه آفاق امنیت**، سال هفتم، شماره ۲۳، صص ۲۵۷-۲۸۵.

جعفری ولدانی، اصغر و جعفری، هرمز. (۱۳۹۴). بنیان‌های حفظ ثبات سیاسی در عربستان (۲۰۱۱-۲۰۱۵)، **فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک**، سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۱۸۹-۲۱۶.

جونز بریج، هارفورد. (۱۳۹۷). **وهابی و وهابیت**، ترجمه مانی صالحی علامه، تهران: انتشارات ثالث.

حسینی، سید محمد. (۱۳۹۸). «تجدید نظرطلبی و تنوع بخشی در سیاست خارجی عربستان پس از تحولات عربی ۲۰۱۱»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره هشتم، شماره ۲۹، صص ۵۵-۷۴.

خورمیزی، محمدرضا. (۱۳۹۹). «گونه شناسی جریان تکفیر در جهان اسلام بر اساس خاستگاه سیاسی»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، سال دهم، شماره ۱، صص ۸۳-۱۱۱.

دادوند، محمد؛ اسلامی، محسن و جمشیدی، محمدحسن. (۱۳۹۸). «پردازش الگوی امنیت راهبردی در تحلیل تهدیدات عربستان سعودی علیه جمهوری اسلامی ایران»، **فصلنامه سیاست جهانی**، دوره هشتم، شماره ۳۰، صص ۲۲۱-۲۶۶.

۲۰۱



مؤلفان برگزیده
وهابیسم و تعمیق
شکاف بن سلمان با
وهابیون عربستان
سعودی

دخیل، خالد. (۱۳۹۷). *ریشه‌های اجتماعی شکل‌گیری وهابیت*، تهران: انتشارات
موسسه فرهنگی و هنری آفتاب خرد.

طاهری، سید مهدی و احمدوند، شجاع. (۱۳۹۴). «وهابیت و استمرار حاکمیت آل
سعود»، *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، دوره پنجم، شماره ۴، صص
۸۷-۱۱۱.

سیمبر، رضا؛ ساکی، سعید و مهدی زاده، هاله. (۱۳۹۶). «مقایسه تطبیقی وهابیت سعودی
و گفت‌مان اسلام سیاسی امام خمینی (ره) با صلح و امنیت بین‌المللی»، *فصلنامه
پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، سال هفتم، شماره ۲۴، صص ۱۵۴-۱۳۵.

عالیشاهی، عبدالرضا؛ مسعودنیا، حسین و فروزان، یونس. (۱۳۹۶). «بررسی روابط
سیاسی قطر و عربستان سعودی؛ از تبیین همگرایی تا گسست سیاسی (از بیداری
اسلامی تا بحران قطع روابط سیاسی در ژوئن ۲۰۱۷)»، *فصلنامه مطالعات راهبردی
سیاست‌گذاری عمومی*، دوره هفتم، شماره ۲۴، صص ۷۰-۴۷.

فتحی، محمد جواد و غفاری، زاهد. (۱۳۹۸). «مطالعه و نقد جایگاه مفهوم جهاد در مبانی
فکری و رفتار سیاسی داعش»، *فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست*، سال هشتم،
شماره ۲۹، صص ۲۳۸-۲۰۷.

فرزین راد، رؤیا؛ فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا. (۱۳۹۸). «نئوپاتریمونیا لیس‌م بن
سلمان و تشدید چالش دولت-ملت در عربستان سعودی؛ ریشه‌ها و پیامدها (۲۰۱۶-
۲۰۱۸)»، *فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام*، دوره نهم، شماره ۱، صص ۵۰-
۲۱.

فروزان، یونس و عالیشاهی، عبدالرضا. (۱۳۹۸). «برساخت‌گرایی سیاسی در روابط
عربستان سعودی و جمهوری اسلامی ایران از پس‌بیداری اسلامی تا پس‌ابرجام»،
فصلنامه آفاق امنیت، دوره دوازدهم، شماره ۴۳، صص ۱۶۵-۱۳۹.

عربی:

احمد جبریل، امجد. (۱۴۴۲). *صنع السياسات العامه فی السعودیه (۲۰۱۵-۲۰۱۹)*،
قاهره: المعهد المصری للدراسات.

الحفيان، كريم. (١٤٤٠). *المقدس، الاب الروحي للسلفيه الجهاديه*، امان: دارالفكر اسلاميه.

البرصان، حمد؛ الحمد، جواد و الرشدان عبدالفتاح. (١٤٤١). *آفاق السياسه الخارجيه السعوديه في عهد الملك سلمان بن عبدالعزيز*، امان: دائره المكتبه الوطنيه.

الشطى، حسن. (١٤٣٦). *التقول الشرعيه في الرد على الوهابيه*، امان: دار غار حراء.

بن غنام، حسين. (١٤٤٠). *تاريخ نجد*، بيروت: شركه الصفحات الذهبيه.

بن مرزوق، ابي الحامد. (١٤٢٩). *التوسل بالنبي و جهله الوهابيون*، استانبول: مكتبه الاشيق.

بن عبدالوهاب، سليمان. (١٤٤١). *الصواعق الالهيه في الرد على الوهابيه*، استانبول: مكتبه الاشيق.

دحلان، احمد زيني. (١٤٣٨). *فتنه الوهابيه*، بيروت: دارالفكر اسلاميه.

سليمان البغدادي، داود بن سيد. (١٤٢٨). *المنحه الوهبية في الرد على الوهابيه*، استانبول: مكتبه الحقيقه.

معراج الدين، حكيم. (١٤٣١). *الاصول الاربعه في ترديد الوهابيه*. استانبول: مكتبه الاشيق.

نابلسي، عثمان. (١٤٤٠). *الرؤيه الوهابيه للتوحيد واقسامه عرض و نقد*، امان: دار النور.

ورداني، صالح. (١٤٣٩). *ثقافه الارهاب في كتب الوهابيه*. بيروت: دارالفكر الاسلاميه.

يلماز، اشرف. (١٤٤١). *رساله في ابطال مذهب الوهابيه*. استانبول: مكتبه الاشيق.

انگلیسی:

Alishahi, A and et.al. (2019). "Sociology of the Crisis in Saudi Arabia; Characteristics of Civil Society in Saudi Arabia since Crown Prince Mohammed BinSalman", **Journal of Public Administration**, 1(2), PP 44-49

Alishahi, A and Forouzan, Y. (2018). "The Islamic Revolution and the Pragmatist Policies of the Leader of the Arab World: A Comparision of the Policies of Saddam Hussein and Mohammed Bin Salman", **Journal of Political Sciences & Public Affairs**, 6(4), pp 12-18.

- Chothia, Feizel. (2020). **Saudi Arabia and Wahhabism: Understanding the Great Conspiracy**, New York: Independently published.
- Christian, Sam. (2019). **A Life for a Life & an Eye for an Eye - Ordains the Lord: Murderer & Butcher Mohammad Bin Salman Must Be Brought to Justice**, New York: Independently published.
- DeLong-Bas, N. (2010). *Wahhabism*, London: Oxford University Press.
- Feldman, Noah. (2020). **The Arab Winter: A Tragedy**, New Jersey: Princeton University Press.
- Firro, Tarik. (2018). **Wahhabism and the Rise of the House of Saud**, Hightown Lancaster: Sussex Academic Press.
- Hope, Bradley and Scheck, Justin. (2020). **Blood and Oil: Mohammed bin Salman's Ruthless Quest for Global Power**, Paris: Hachette Books.
- Huzaimi, Nasir. (2020). **The Mecca Uprising: An Insider's Account of Salafism and Insurrection in Saudi Arabia**, London: I.B. Tauris.
- Jilson, Cal. (2019). **American Government: Political Development and Institutional Change**, London: Routledge.
- Miliks, Sidney and Nelson, Michael. (2019). **The American Presidency: Origins and Development, 1776–2018**, Washington, D.C.: CQ Press.
- Nahouza, Namira. (2018). **Wahhabism and the Rise of the New Salafists: Theology, Power and Sunni Islam (Library of Modern Religion)**, London: I.B. Tauris.
- Novak, Phetra. (2018). **Silent Terrorism: Saudi Arabia**, Burscough: Beaten Track Publishing.
- Rundell, David. (2020). **Vision or Mirage: Saudi Arabia at the Crossroads**, London: I.B. Tauris.
- Ulrichsen, K. (2019). **Mohammed bin Salman and Religious Authority and Reform in Saudi Arabia**, Houston: Rice University Press.
- Valentine, S. (2015). **Force and Fanaticism: Wahhabism in Saudi Arabia and Beyond**, London: Hurst Publisher.